وقایع نیمه مرداد ۱۳۶۷ و پذیرش آتش‌بس از طرف عراق در گفت‌وگو با یک راوی دفاع مقدس

آرامش جبهه‌ها در حالت «نه جنگ و نه صلح» شکننده بود

علیرضا محمدی

۱۵ مرداد ۱۳۶۷، صدام آتش‌بس را پذیرفت و عملاً جنگ در جبهه‌های دفاع مقدس به اتمام رسید. حدود ۲۰ روز قبل، قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران پذیرفته شده بود و هر چند عراق نیز یک یا دو روز بعد، طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل از قبول آن خبر داده بود، اما روز ۳۱ تیرماه حمله‌ای گسترده به مرزهای ایران انجام داد و به این ترتیب آتش بس را که اولین بند از قطعنامه بود نقض کرد. سپس حدود یک هفته درگیری شدید و چند روز نیز آرامش شکننده در مرزها برقرار شد تا اینکه عراق در ۱۵ مرداد ماه عملاً برقراری آتش بس را پذیرفت. در همین خصوص گفت‌وگویی با سیدمهدی حسینی از راویان دفاع مقدس انجام دادیم تا نگاهی به شرایط آن روزهای جبهه‌های جنگ بیندازیم.

چطور شد که عراق قبول کرد آتش بس را در ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ بپذیرد؟

آتش بس اولین بند از قطعنامه ۵۹۸ بود. مسلماً اگر یک قطعنامه یا هر قراردادی بخواهد به جنگی پایان دهد، اولین خواسته‌اش برقراری آتش بس است. منتها عراق به‌رغم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ دوباره به ایران حمله کرد و وقایع ۳۱ تیرماه تا هفتم و هشتم مرداد ماه رقم خورد. شروع این وقایع حمله ۳۱ تیرماه بعثی‌ها به خوزستان و متعاقب آن حمله سوم مردادماه منافقین به جبهه غرب بود. وقتی ارتش عراق در جنوب و منافقین در کرمانشاه و تنگه مرصاد مضمحل شدند، صدام فهمید که نمی‌تواند در داخل خاک ایران کار خاصی انجام بدهد. از طرف دیگر با آمدن چند هزار داوطلب به جبهه‌های دفاع مقدس که متأثر از چگونگی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و همین طور پیام تلخ امام بود، برخی از فرماندهان نظامی و حتی چهره‌های سیاسی گفتند ما می‌توانیم عملیاتی هجومی را علیه دشمن انجام بدهیم و آنها را بابت نقض قطعنامه تنبیه کنیم. البته امام(ره) با این طرح موافقت نکردند، اما به هرحال دشمن احساس کرد تداوم درگیری به نفعش نیست و می‌تواند عواقب سختی برایش داشته باشد. لذا آتش بس را در نیمه مرداد پذیرفت. بعد از آن آرامشی در جبهه‌ها حاکم شد که به خاطر بدعهدی صدام بسیار شکننده به نظر می‌رسید.

یکی از شروط ایران برای اتمام جنگ، پذیرش مجدد معاهده ۱۹۷۵ الجزایر بود. بعد از برقرای آتش بس، عراق بعثی چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

اصلاً یکی از دلایل شروع جنگ تحمیلی این بود که حزب بعث عراق معتقد بود معاهده ۱۹۷۵ الجزایر به او تحمیل شده است. جالب است که بعثی‌ها بعد از بازگشت صدام از الجزایر و امضاء معاهده، یک جشنی را در عراق راه انداختند و آن را پیروزی دیپلماتیک عنوان کردند، اما در خفا می‌گفتند که این معاهده به آنها تحمیل شده است. در خاطرات اسدالله‌علم نیز آمده است که سفیر عراق به علم گفته بود امروز شما برتر بودید اما یک زمانی ما جبران می‌کنیم و برتری‌مان را به شما ثابت می‌کنیم! روز ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۹ که شروع جنگ قریب الوقوع بود، صدام به صورت نمادین معاهده الجزایر را پاره کرد و سپس چهار، پنج روز بعد جنگنده‌هایش فرودگاه‌های کشور را بمباران کردند و جنگ رسماً شروع شد. در طول جنگ، ایران همواره بازگشت عراق به این معاهده را یکی از شروطش برای پایان جنگ اعلام می‌کرد و عراق نمی‌پذیرفت. بعد از برقراری آتش بس و شروع مذاکرات نیز آنها دنبال تحمیل یک معاهده دیگر به ایران بودند که عاقبت هم موفق نشدند و سال ۱۳۶۹ مقارن با حمله عراق به کویت، صدام خواسته‌های ایران را پذیرفت.

در آن طرف، واکنش عراق به اتمام جنگ و برقراری آتش بس چه بود؟

در خصوص رژیم بعث عراق، همیشه یک رفتار متضاد و دو پهلو می‌بینیم. آنها حتی وقتی که شکست می‌خوردند هم خودشان را در داخل کشور پیروز نشان می‌دادند. بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، صدام اعلام کرد که این یک پیروزی برای عراق است و در بغداد جشن راه انداخت! ولی وقتی مجدد به ایران حمله کرد، نشان داد که چندان هم از این وضعیت راضی نیست و می‌خواهد با اشغال یک شهر مهم از ایران (نظیر خرمشهر یا آبادان یا اهواز) امتیازهایی از این جنگ هشت ساله به دست آورد. اما وقتی که رزمنده‌ها در دو هفته پایانی جنگ تحمیلی، مقاومت جانانه‌ای در برابر ارتش او انجام دادند، بدون اینکه هیچ بهره‌ای از تجاوزش ببرد، مجبور شد آتش بس را قبول کند. در واقع پذیرش آتش بس شروع یکسری مشکلات بسیار جدی برای عراق بود که نهایتاً صدام را وادار کرد به کویت حمله کند.

> بعثی‌ها در این هشت سال یک ارتش چند ۱۰۰هزار نفری تشکیل داده بودند که باعث شده بود از کارگران خارجی برای صنایع خود استفاده کنند. البته این کارگرها گاهی هم، باجی بود که عراق به کشورهای عربی می‌داد. مثلاً وقتی از مصر تسلیحات یا خدمات مستشاری دریافت می‌کرد، در عوض می‌پذیرفت که کارگرهای مصری به عراق بیایند و کار کنند

منظورتان از این مشکلات بدهی‌های عراق است؟

هم بدهی‌های خارجی عراق است و هم مسائل دیگر. بدهی رژیم بعث در پایان جنگ تقریباً ۱۰ برابر ایران بود. آنها حدود ۹۰ میلیارد دلار بدهی داشتند. به‌رغم آنکه در شروع جنگ نیز ذخایر ارزی عراق رقم قابل توجهی بود (برخی از منابع آن را از ۳۰ میلیارد دلار تا ۴۰ میلیارد دلار اعلام کرده‌اند) بعثی‌ها در طول جنگ آن قدر سلاح خریدند و خدمات دریافت کردند که علاوه بر از دست دادن این ذخایر، بدهی هنگفتی نیز بالا آوردند. گذشته از بدهی‌ها، بعثی‌ها در این هشت سال یک ارتش چند ۱۰۰ هزار نفری تشکیل داده بودند که باعث شده بود از کارگران خارجی برای صنایع خود استفاده کنند. البته این کارگرها گاهی هم، باجی بود که عراق به کشورهای عربی می‌داد. مثلاً وقتی از مصر تسلیحات یا خدمات مستشاری دریافت می‌کرد، در عوض می‌پذیرفت که کارگرهای مصری به عراق بیایند و کار کنند. البته این کارگرها گاهی هم، باجی بود که عراق به کشورهای عربی می‌داد. مثلاً وقتی از مصر تسلیحات یا خدمات مستشاری دریافت می‌کرد، در عوض می‌پذیرفت که کارگرهای مصری به عراق بیایند و کار کنند. بعد از پایان جنگ یکی از دغدغه‌های صدام خلاصی از شر این کارگرها بود. نهایتاً این مسائل باعث شد میانه او را کشورهای عربی بهم بریزد و به کویت حمله کند.

خیلی از فضای روزهای مرداد ۱۳۶۷ فاصله نگیریم. در تاریخ جنگ تحمیلی آمده که روز ۲۹ مرداد آتش بس رسمی بین ایران و عراق برقرار شده است. علت این امر چیست؟

در واقع روز ۱۵ مرداد عراق یک بیانیه می‌دهد و اعلام می‌کند که آتش‌بس را پذیرفته است. اما لازم بود که این مسئله به صورت رسمی از سوی سازمان ملل نیز تأیید شود. چون اگر بنا به قول بعثی‌ها بود که آنها در ماجرای حمله ۳۱ تیر ۶۷ نشان داده بودند که بدعهد هستند. لذا بعد از اعلام آتش بس از سوی عراق، آمد و شدهایی در عالم دیپلماتیک صورت گرفت. قرار شد نیروهای یونیفل به مرزها بیایند و ضامن برقراری آتش بس شوند. نهایتاً دبیر کل سازمان ملل روز ۲۹ مردادماه برقراری آتش بس رسمی بین ایران و عراق را طی بیانیه‌ای اعلام کرد و از صبح همان روز ۲۹ مرداد هم به صورت رسمی و هم در عمل آتش بس برقرار شد و می‌توانیم بگوییم که جنگ تحمیلی صدام بعثی به دو ملت ایران و عراق، روز ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ به اتمام رسید.

نیروهای یونیفل چه زمانی در مرزها مستقر شدند؟

استقرار نیروهای سازمان ملل بر طبق قطعنامه ۶۱۹ در روز ۱۸ مرداد ۶۷ تصویب شد. این قطعنامه در خصوص استقرار نیروهای ناظر بر آتش بس بین ایران و عراق بود. چند روزی هم طول کشید تا این نیروها بیایند و مستقر بشوند. می‌توانیم بگوییم که تقریباً از اواخر مرداد ۱۳۶۷، نیروهای یونیفل آمدند و در مرزهای دو کشور مستقر شدند

> قطعنامه ۶۱۹ در روز ۱۸ مرداد ۶۷ تصویب شد. این قطعنامه در خصوص استقرار نیروهای ناظر بر آتش بس بین ایران و عراق بود. چند روزی هم طول کشید تا این نیروها بیایند و مستقر بشوند. می‌توانیم بگوییم که تقریباً از اواخر مرداد ۱۳۶۷، نیروهای یونیفل آمدند و در مرزهای دو کشور مستقر شدند

قطعنامه ۶۱۹ شورای امنیت بود که ۱۸ مرداد ۱۳۶۷ تصویب شد. تقریباً ۱۶ قطعنامه را شورای امنیت از سال ۵۹ الی ۶۸ در خصوص جنگ ایران و عراق تصویب کرد که چند مورد از این قطعنامه‌ها بعد از پایان جنگ بود. همین قطعنامه ۶۱۹ یکی از این موارد است که ۱۸ مرداد ۶۷ تصویب شد و در خصوص استقرار نیروهای ناظر بر ایران و عراق بود. چند روزی هم طول کشید تا این نیروها بیایند و مستقر بشوند. می‌توانیم بگوییم که تقریباً از اواخر مردادماه ۱۳۶۷، نیروهای یونیفل آمدند و در مرزهای دو کشور مستقر شدند.

یک سؤالی برای من همیشه مطرح بود که ایران و عراق چه زمانی رو در رو با هم به مذاکره پرداختند؟

در طول جنگ هیچ وقت این دو کشور با هم مذاکره رودر رو نداشتند. مذاکرات ایران و عراق بعد از پذیرش آتش بس بود. اگر اشتباه نکنم از شهریور ۱۳۶۷ دو طرف برای اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ پای میز مذاکره نشستند که البته نتیجه خاصی هم نداشت. مثلاً تبادل اسرا یکی از بندهای این قطعنامه بود که تا سال ۶۹ محقق نشد. خیلی عجیب است که می‌بینیم صدام روی خواسته‌های نامشروع خودش تا چه حدی لجاجت داشت. او از قبل شروع جنگ تا مدت‌ها بعد از آن، همواره دنبال تحمیل یک معاهده غیر از معاهده ۱۹۷۵ الجزایر بود. حتی در مورد اسرا هم قبول نمی‌کرد که تبادل به این زودی‌ها انجام شود. البته این را هم می‌دانست که ما ۷۵ هزار اسیر از او داریم و آنها ۴۵هزار اسیر از ما دارند. لذا ۳۰ هزار اسیر کم داشت. بعثی‌ها در طول مذاکرات همیشه زیاده خواهی داشتند و می‌خواستند شرایط و خواسته‌های خودشان را به ما تحمیل کنند. ایران هم پای خواسته‌های به حقش ایستاد و نگذاشت زیاده خواهی آنها به نتیجه برسد. نهایتاً مرداد سال ۶۹ وقتی که عراق به کویت حمله کرد، ظرف سه روز عمده اسرای دو طرف مبادله شدند. این وقایع نشان داد که اگر صدام لجاجت را کنار می‌گذاشت، خیلی از امور می‌توانست به سرعت حل شود. خاطره‌ای از زبان آزاده‌ها نقل می‌شود که بعد از پایان جنگ، آنها فکر می‌کردند خیلی زود آزاد می‌شوند. بنابراین هرچه آذوقه داشتند را به عنوان «هفته بخور بخور» مصرف می‌کنند. اما انتظارشان در آن مقطع بی‌فایده بود و قریب به اتفاق اسرای ما، دو سال بعد آزاد شدند. به هرحال آزادی اسرا یکی از نشانه‌های پیروزی و نصرت ملت ایران در جنگی نابرابر بود که به عنوان یک نقطه ارزشمند در تاریخ این سرزمین خواهد درخشید.

خاطره

خاطراتی از ماه‌های پس از پایان دفاع مقدس از زبان یک رزمنده

انگار کسی خبر نداشت ما هنوز در جبهه هستیم!

غلامحسین بهبودی

جنگ تحمیلی ظاهراً در مرداد ۱۳۶۷ به اتمام رسید، اما لشکرهایی که در مناطق عملیاتی حضور داشتند، تا حدود دو سال بعد همچنان خط دفاعی خود را در آن مناطق حفظ کردند. اگر چه درگیری‌ها به اتمام رسیده بود، اما حالا رزمنده‌ها با محدودیت و محرومیت‌های بسیاری دست به گریبان بودند و از این لحاظ، سختی‌های بسیاری را تحمل می‌کردند. متن زیر خاطرات حسن رحیمی یکی از رزمندگان در همین خصوص است.

من از سال ۱۳۶۵ زمانی که به ۱۷ سالگی رسیدم برای اولین بار به جبهه رفتم. بعد در سال‌های ۶۶ و ۶۷ چندین بار دیگر به جبهه اعزام شدم. هر بار که جبهه می‌رفتیم (در اعزام‌های سراسری) مردم با شربت و شیرینی و اسپند از ما پذیرایی می‌کردند. یادش بخیر! هیچ وقت آن روزها را فراموش نمی‌کنم. این عنایت و توجه مردمی واقعاً برای ما باارزش بود و باعث قوت قلب رزمنده‌ها می‌شد. در جبهه هم چون مدتی در تدارکات لشکر ۱۰ بودم، می‌دیدم که کمک‌های مردمی تا چه میزان کمک حال رزمنده‌ها در جبهه می‌شود. این کمک‌ها شامل البسه، انواع کنسرو، میوه و حتی تنقلات و انواع داروها هم می‌شد. میزان کمک‌ها گاهی به حدی بود که بسیاری از هزینه‌های لشکرها را تأمین می‌کرد. به عنوان نمونه، از بچه‌های تدارکات لشکر ثارالله(ع) شنیده بودم که حاج قاسم سلیمانی حساب خاصی روی کمک‌های مردمی شهر رفسنجان باز کرده بود. چرا که مردم دیندار این شهر و مناطق پیرامونش، کاروان‌های سنگینی از پشتیبانی جنگ را به جبهه‌ها ارسال می‌کردند.

بعدها که در مورد پشتیبانی مردمی از جنگ تحقیق کردم، دیدم که از شهید چمران گرفته تا شهید سیدمجتبی هاشمی فرمانده گروه فدائیان اسلام و دیگر بزرگان و فرماندهانی که در ابتدای دفاع مقدس نقش پررنگی در جبهه‌ها داشتند، همگی واسطه‌هایی در بازار تهران یا دیگر شهرها داشتند و روی کمک‌های مردمی حساب می‌کردند. گذشته از بازاری‌ها که عموماً جزو قشر متمول جامعه هستند، مردم عادی شهرها و خصوصاً روستاها نیز کمک‌ها و پشتیبانی‌های بسیاری از جبهه‌ها به عمل می‌آوردند. من شاهد بودم که مردم یک روستا از توابع ورامین خودشان در محرومیت بودند، ولی از محصولات کشاورزی‌شان کمک‌های بسیار شایانی به جبهه ارسال کرده بودند.

در طول هشت سال دفاع مقدس، پشتیبانی مردم از جبهه‌ها بسیار خوب بود. اما بعد از پذیرش قعطنامه ۵۹۸ و برقراری آتش بس، در باور عموم این طور تصور می‌شد که جنگ دیگر تمام شده است و نیازی به پشتیبانی از رزمنده‌ها نیست. در صورتی که حداقل تا اوایل دهه ۷۰، تمام لشکرهایی که در زمان جنگ در جبهه خط داشتند، به همان شکل سابق، خط خود را حفظ کردند و به جهت اینکه امکان داشت عراق دوباره حمله کند، در آمادگی به سر می‌بردند.

دو سال بعد از پذیرش قطعنامه که به نظر من جزو جنگ تحمیلی به حساب می‌آید، یکی از مظلوم‌ترین دوره‌های دفاع مقدس است. چراکه به دلیل عدم ارسال کمک‌های مردمی به جبهه، بسیار در محدودیت بودیم. از طرف دیگر حتی نهادهای دولتی و رسمی نیز توجه کافی به موضوع رزمنده‌های حاضر در مناطق عملیاتی نداشتند و این مسئله نیز مزید بر علت می‌شد تا بر محرومیت رزمنده‌ها افزوده شود.

در آن دو سال (۱۳۶۷ الی ۱۳۶۹) چیزی برای بچه‌های رزمنده تغییر نکرده بود، الا اینکه جبهه‌ها در آرامش به سر می‌بردند. ما مثل سابق اعزام می‌گرفتیم و به خطوط دفاعی دوران جنگ می‌رفتیم و در آمادگی به سر می‌بردیم. حتی برخی از اصول حضور در مناطق جنگی را هم رعایت می‌کردیم، اما همزمان در سطح جامعه کمتر کسی خبر داشت که بچه‌های رزمنده همچنان به مناطق جنگی می‌روند و آنجا خط دفاعی دارند. انگار کسی توجهی به حضور ما در جبهه‌ها نداشت. به‌رغم تمامی این محرومیت‌ها، همان تکلیف مداری که باعث پیروزی ما در جنگ تحمیلی شد، اینجا هم خودش را نشان داد و بچه‌ها با کمترین امکانات و پشتیبانی در گرما و سرما در مناطق عملیاتی ماندند تا اینکه عراق به کویت حمله کرد و دیگر خطر درگیری مجدد با بعثی‌ها برطرف شد. از همان زمان کم کم لشکرها، خط سنتی خود در مناطق عملیاتی را ترک کردند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۸۱۸

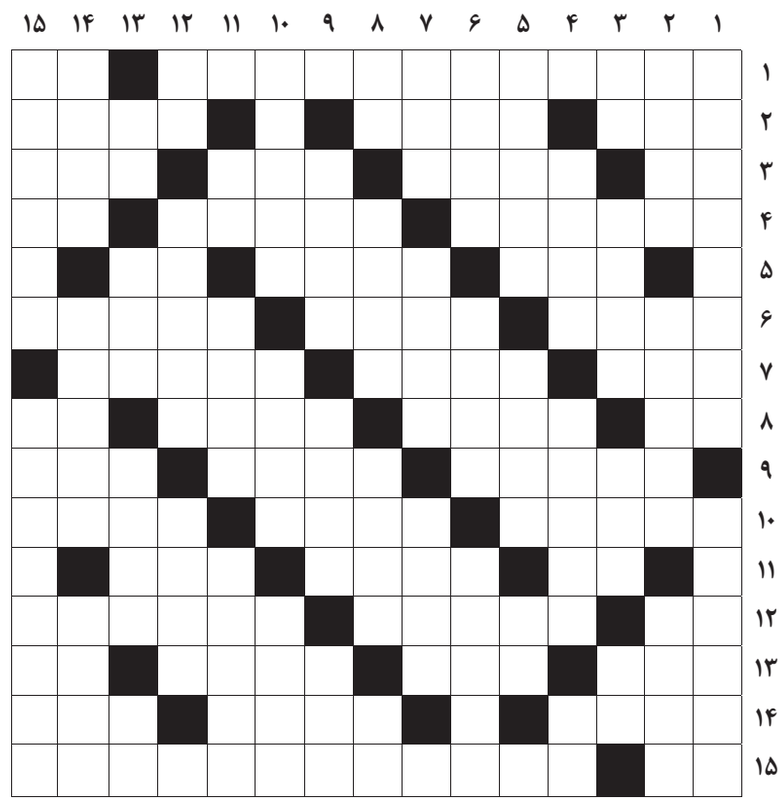

از راست به چپ

■ ۱- نام اصلی حافظ- ظرف سرکه ■ ۲- از نام‌های خدا- سریع‌ترین روش شنا- مثلث جغرافیایی ■ ۳- ابر غلیظ- نماد- نیشکر- فانوس دریایی ■ ۴- خطایی در فوتبال- سردار تورانی که در نبرد یازده‌رخ به دست گرازه پهلوان ایرانی کشته شد- پنج آذری ■ ۵- نماد استواری در طبیعت- سنگین‌تر از ترازو- خاک کوزه‌گری ■ ۶- درخت خرما- نهی شاعرانه از آوردن- لقب پادشاهان چین و ترکستان ■ ۷- رنگ بیزاری- پیک کاغذی- دف ■ ۸- خدای درویش- آهن‌ربا- ماده اولیه باروت- بچه می‌زند ■ ۹- شیردادن- شیر کوهی- مرزبان ■ ۱۰- پایتخت زیمبابوه- ستاره- سرهنگ ■ ۱۱- نوعی حلوا- کلمه تأیید خارجی- موشک ضدتانک ■ ۱۲- خیس- اسب- گزینش ■ ۱۳- تکان شدید- کوزه ادبی- رهبر حزب- گشوده ■ ۱۴- هریسه- اهل محل- گیاه الیافی ■ ۱۵- لخت- بزرگ‌ترین کشور غرب آسیا

از بالا به پایین

■ ۱- نوعی میمون- گردشگاه عطار عاشق ■ ۲- توهین‌کننده- سیصد کیلو- شیرینی لوله‌شده ■ ۳- پل چوبی- محکم و استوار- خس‌خس سینه- چه وقت ■ ۴- اتاق زندانی- عدد ضرب‌شده- حرف همراهی عرب ■ ۵- خراب و قراضه- دید و نظر- برگ برنده ■ ۶- شهرآورد- سد- سرور رعیت ■ ۷- موی گردن شیر- بها- همسایه غنا ■ ۸- برج کج- از نیروهای نظامی- قداست- صنم ■ ۹- گل‌به‌سر جالیزی- سوره چهل و دوم- پرچم ■ ۱۰- بهیمه- مجلس قانونگذاری روسیه- مصون ■ ۱۱- سرما- سنگ سخت- مجسمه ■ ۱۲- وحشی- اجاره بها- تیغه جراحی ■ ۱۳- پیچیدن- جهنم- گِل خشک‌شده- تکرارش آوای فاخته است ■ ۱۴- دوست خواندنی- گنبد بی‌خاصیت صهیونیست‌ها- رگ گیاه ■ ۱۵- پوست آهو برای نامه‌نگاری‌های قدیم- از صنایع دستی سنتی بسیار معروف ایران

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۱					۸		
	۷					۱		۵
	۳		۶	۲				
۸				۶				۹
								۷
۹			۸	۳				۲
							۴	
		۶	۹				۳	
			۲		۵			

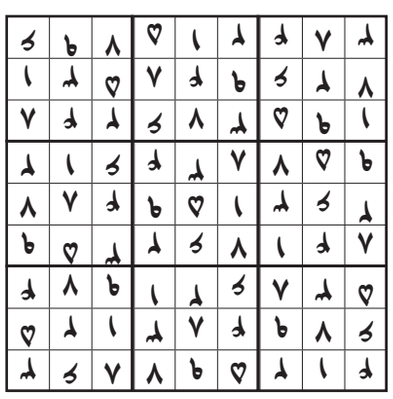

جدول کلمات متقاطع
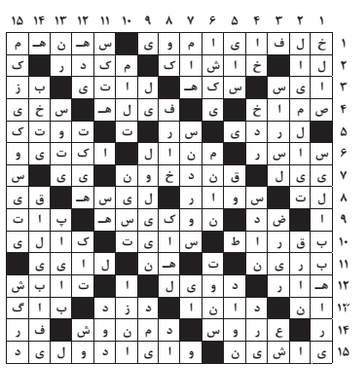
پاسخ جدول شماره ۶۸۱۷